



تک شماره ۱۰ ریال
شنبه ۱۲ خرداد ۱۳۵۸

نامه سرگشاده

کمیته مرکزی حزب توده ایران

به همه نیروهای علاقمند به پیروزی انقلاب ضد امپریالیستی،
دموکراتیک و خلقی ایران درباره ضرورت درنگ ناپذیر اتحاد
برای مقابله با تحریکات ضد انقلاب و پیدا کردن
راه حل انقلابی مشکلات کنونی

هم میهنان عزیز!

مبارزان راه پیروزی انقلاب ایران!

همه مردم ایران و همه مبارزان ضد امپریالیست و آزادیخواه در سراسر جهان در این ارزیابی شریکند که، انقلاب مردم ایران به پیروزی تاریخی کم نظیری در جهان نائل گردیده است. در جریان این انقلاب، همه مردم ایران، بجز اقلیت کوچکی خائن و مزدور و غارتگر، فعالانه شرکت داشتند. مردم با همبستگی و همکاری خود، یکی از محکمترین دژهای تسلط امریانی امپریالیسم و ارتجاع رادرم شکستند، ولی همانطور که امام خمینی بارها یادآور شده اند، وزنه اساسی این نبرد زندگی و مرگ بردوش زحمتکشان شهر و روستا و مبارزان جان برکف انقلابی قرار داشته است، که با نثار ده ها هزار قربانی، پایه های کاخ استبداد آمریکا - اسرائیل - شاه - ساواک را متزلزل ساختند و با ضربیه نهایی آنرا فرو ریختند. انقلاب پیروزمان ایران، با دستاوردهای بسیار چشمگیری که در همین دوران کوتاه داشته، توانسته است تناسب نیروها در منطقه و در سراسر جهان، بطور محسوس بسود جنبش های رهایی بخش ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی و ضد نژادپرستی تغییر دهد. فروری نظام جهانی استبداد سلطنتی سرنگون شده، استقرار جمهوری اسلامی، با هدف های والا و راه تامین استقلال ملی، آزادی، بهبود شرایط زندگی زحمتکشان و پیشرفت همه جانبه اجتماعی در پیش گرفته است، از هم پاشیده شدن سازمان چنانیت کار ساواک، مجازات خائنین به منافع ملی و آزادی های فردی و اجتماعی، درهم شکسته شدن ماشین نظامی تجاوز کار امپریالیسم آمریکا، اخراج ده ها هزار مستشار آمریکایی که همه شریانی های حیاتی زندگی اجتماعی ما را قبضه کرده بودند، لغو قراردادهای اسارت آور کاپیتولاسیون، سنتو، خرید میلیاردها دلار جنگ افزار و تاسیسات صنعتی غیر ضروری، بیرون کشیدن صنایع و صادرات نفت از چنگال های حریص و خون آلود انحصارهای نفتی امپریالیستی، بازخواندن ارتش ایران از ظفار، قطع مناسبات سیاسی با رژیم سادات خائن، امتناع فروش نفت به اسرائیل و نژاد پرستان جنوب آفریقا - اینها همه دستاوردهای چشمگیر و با اهمیت انقلاب ایران در این مدت کوتاه است.

وظیفه مردم قهرمان ایرانست که از این دستاوردها با تمام نیرو پاسداری کنند، آنها را تثبیت و تحکیم نمایند و بیش از پیش در تمام زمینه های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی و ملی گسترش دهند.

در این حال نباید فراموش کنیم که انقلاب ایران یکی از دشوارترین دورانهای تحکیم و تثبیت پیروزی خود را میگذراند و بر سر این روند تحکیم و تثبیت، با دشواریهای بسیار جدی روبرو شده و میشود. از سوی دیگر ما شاهد آن هستیم که با کمال تاسف، در زمینه شناخت این دشواریها و راه آه زین برداشتنشان، در میان نیروهای ملی دید یگانه ای وجود ندارد و در نتیجه عمل متحد و پیگیری انجام نمیکرد. تردید نمیتوان داشت که با ادامه این وضع، خطرات جدی مهمترین دستاوردهای انقلاب را مورد تهدید قرار میدهد.

کمیته مرکزی حزب توده ایران با احساس مسئولیت تاریخی میکوشد ارزیابی خویش را از وضعیت کشور در لحظه کنونی، در اختیار همه نیروهای راستین هوادار پیروزی انقلاب ایران قرار دهد و همه این نیروها را به اهمیت حیاتی و درنگ ناپذیر وحدت نظر و اتحاد عملی، علیه دشمنان رنگارنگ انقلاب فراخواند.

بنظر ما ویژگیهای لحظه کنونی در کشور چنین است که:

- عوامل گوناگون بحران در همه زمینه های زندگی اجتماعی شدت بیابند.

- ضد انقلاب (یعنی امپریالیسم و ارتجاع داخلی) با بهره برداری از نابسامانیها هر روز گستاختر میگردد:

- سازشکاران، نبرد نیروهای انقلابی خلق را علیه ضد انقلاب فلج میکنند.

- تفرقه اندازان و انحصار طلبان مبارزه مردم را از سمتگیری اصلی منحرف میسازند.

- بخشهای مهمی از نیروهای راستین انقلاب ضروریات حیاتی و عمده پیروزی انقلاب را با فراموش کرده اند و یابدان کم بها میدهند و خود را با مسائل فرعی و درجه دوم مشغول میسازند.

همه اینها، همراه هم، موجبات ضعف جنبش انقلابی میهن ما را

فراهم آورده است. تنها از راه شناخت درست ریشه های بحران کنونی و گروهای عمده آن و با تلاش، برای خنثی ساختن آنها، زیابخششان، میتوان راه تثبیت پیروزیهای انقلاب را ساخت.

بنظر حزب توده ایران، پیش از آنکه بحال - انب کور کن و ویژگیهای بیلا پیردازیم، ضرورت دارد روشن شود که دشمن اصلی انقلاب ایران کیانند، هدفهایشان چیست و چه نتیجه ای را در لحظه کنونی برای رسیدن به این هدفها بکار میرند. این امر از آن جهت ضرورت درجه اول دارد که در پاراش، متاسفانه، میان نیروهای که خود را هوادار انقلاب ایران میدانند، اختلاف نظر عمیق وجود دارد. برای نمونه میتوان به ارزیابی های گوناگون برخی از اعضاء دولت موقت جمهوری اسلامی ایران، درباره دخالت گستاخانه امپریالیسم آمریکا در امور داخلی ایران، اشاره کرد که جهت گیری روشن آن، کنار گذاشتن امپریالیسم آمریکا، نه تنها بعنوان دشمن اصلی، بلکه حتی بعنوان یکی از دشمنان اصلی انقلاب ایران است. این ارزیابیها، با ارزیابی اکثریت مطلق مردم ایران، با ارزیابی مکرر امام خمینی، که با شدت تمام در تظاهرات چند میلیونی روزهای اخیر در سراسر کشور بازتاب یافته است، در تضاد آشکار است. از اینروست که بنظر ما مهمترین مسئله مورد توجه باید همین امر مشخص ساختن دشمنان اصلی انقلاب ایران، هدفها و شیوه های عمل آنها برای رسیدن باین هدفها باشد.

دشمنان انقلاب ایران

بنظر ما دشمن اصلی انقلاب ایران امپریالیسم غارتگر جهانی، به سرکردگی امپریالیسم متجاوز آمریکا و همدستان ایرانی آنان، یعنی سرمایه داران و زمین داران بزرگ وابسته با امپریالیسم است. هر گونه تلاش برای منحرف ساختن افکار عمومی مردم انقلابی ایران از سمتگیری بدون تزلزل علیه این دشمن اصلی، چه آگاهانه باشد و چه بر پایه ارزیابی و یاشناخت نادرست از واقعیت، به زیان جبران ناپذیری برای جنبش انقلابی میهن ما تمام میشود.

امپریالیسم جهانی (که امپریالیسم آمریکا در رأس آن قرار دارد) تا پیش از پیروزی انقلاب کبیر در روسیه، سراسر جهان را با چنگهای بخون آغشته خود لنگد مال میکرد. امپریالیسم با آنکه در دوران ۶۰ ساله اخیر در قبال جنبش عظیم و جبهه نیرومند ضد امپریالیستی جهان، مواضع زیادی را از دست داده است، هنوز اساسی ارتجاع سیاه جهانی است.

امپریالیسم جهانی، یعنی انحصارهای نفتخوار، انحصارهای جهانی تولید کننده جنگ افزارها بانکهای غارتگر امپریالیستی، انحصار های جهانی و باصلاح مافوق ملی در همه رشته های صنعتی و کشاورزی و بازرگانی و ترابری و ...

این امپریالیسم جهانی، که نیرومندترین هسته آنرا امپریالیسم آمریکا تشکیل میدهد، برای برقراری تسلط جهانی خود، ابزار و جنگ افزار بسیار گوناگونی را در اختیار دارد و بر حسب شرایط سیاسی، زمانی، جغرافیایی، ملی و غیره، این یا آن ابزار را بکار میاندازد. تجاوز آشکار بانیهوای نظامی (مانند ویت نام)، توطئه های کودتایی (مانند ایران - در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، اندونزی، شیلی و دهها کشور دیگر آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین)، خریدن خائنین (مانند مصر و سودان) و تحریکات از راه استفاده از جریان های «سیاسی» و «مذهبی» و «ملی گرایی» خاص مانند فراماسونری، صهیونیست، بهائیکری، سازمانهای فاشیستی و سازمانهای نژاد پرست و دهها و دهها جریان سیاسی و مذهبی رنگارنگ دیگر - همه اینها ابزارهای گوناگون امپریالیسم جهانی هستند.

و در کشور ما ایران، از همان آغاز استیلای خاندان پهلوی، پایه های تسلط امپریالیسم جهانی گذاشته شد و، صرف نظر از دورانهای بسیار کوتاه تزلزل، هر روز این پایه ها مستحکمتر گردید. اگر این تسلط امپریالیستی در دوران پیش از جنگ دوم جهانی و سالهای اول پس از آن، بابرخی رقابتها بین امپریالیستهای آمریکایی و انگلیسی و آلمانی همراه بود، پس از کودتای ۲۸ مرداد این تسلط امپریالیستی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، بطور مشترک و جمعی مستقر شد و میهن ما به غارتگاه بی بندوبار همه امپریالیستها، که صهیونیسم یکی از اجزاء متشکله آنست، بدل گردید. غارت ثروت های عظیم نفتی میهن ما، تحویل میلیاردها جنگ افزار زائد و بی فائده، وادار کردن دولت دست نشانده به خرج میلیاردها

ها دلار از ثروت ملی برای تدارکات نظامی استراتژیک آمریکا، صدور بی بندوبار کالاهای مصرفی گران قیمت، صدور تاسیسات صنعتی چند برابر قیمت های بین المللی، تحویل بی تناسب صنایع معتد بجای صنایع مادر، تبدیل ایران، بموازات اسرائیل، به دومین پایگاه تجاوز امپریالیستی برای سرکوب جنبش های ضد امپریالیستی در منطقه خلیج فارس و خاور نزدیک و میانه، تبدیل ایران به بزرگترین پایگاه جاسوسی و تدارکی تجاوز علیه اتحاد شوروی و سایر کشورهای ضد امپریالیست در منطقه، تحصیل دهها و دهها هزار کارشناس «نظامی» و «دقی» و «اقتصادی» و غیره، نابود کردن کشاورزی ایران و وابسته کردن تمام زندگی روزمره میهن ما به اقتصاد امپریالیستی - اینها همه و همه طبق نقشه مشترک و هماهنگ همه امپریالیستها، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا بوده است.

انقلاب ایران به منافع حیاتی اقتصادی و استراتژیک نظامی همه این امپریالیستها و طبقه حاکمه وابسته به آنان، ضربه سهمگین و دردناکی وارد ساخت و ما شاهد آن هستیم که زوزه این گرگهای درنده زخم خورده علیه دستاوردهای انقلاب ایران در سراسر جهان طنین انداخته است و تحریکات محافل ارتجاعی وابسته با امپریالیسم در ایران هر روز دامنه داتر میگردد.

نیروهای امپریالیستی هنوز در کشور ما پایگاه های نیرومندی را در اختیار دارند، این پایگاه ها در دستگاه دولتی، در سازمانها، مخفی و علنی ساواک، در اقتصاد کشور و در میان گروههای وابسته به طبقات حاکمه فراری و بلندگویان «روشنفکر» نمایان است. از این پایگاهها است که جبهه متحد امپریالیستها و درپیشانی شان امپریالیست های آمریکایی و صهیونیست ها و محافل ارتجاعی ایران، که در آمریکا و اروپای غربی و اسرائیل لشکر انداخته اند، علیه انقلاب ایران توطئه می کنند.

هدف این نیروهای امپریالیستی اینست که، انقلاب ایران را با شکست روبرو سازند و به این آآن شکل، اوضاع گذشته را، با نقاب و یابدون نقاب، بازگردانند. وسائل و شیوه هایی که دشمنان انقلاب در این توطئه خطرناک بکار میبرند، همان وسائل و شیوه های شناخته شده توطئه های امپریالیستی و ارتجاعی در تاریخ طولانی مبارزات خلقها است، یعنی:

۱- جلوگیری از تثبیت اوضاع اقتصادی و ایجاد دشواریهای ساختگی تازه در این میدان، جلوگیری از بکار افتادن کارخانه ها، کارگاهها، دامن زدن به هر چه مرج اقتصادی، بالابردن قیمت های خواربار و وسائل مصرفی مورد احتیاج مردم.

۲- جلوگیری از تثبیت اوضاع اجتماعی و دامن زدن به هر چه مرج، مشغول کردن مردم به مبارزات خانگی، منحرف کردن مردم از مبارزه علیه دشمن اصلی.

۳- ترویج ناامنی، ترور، کشتار، دزدی، غارتگری، پخش مواد مخدر، قاچاق.

۴- بجان هم انداختن احزاب، سازمانها و گروه های سیاسی و ایجاد تفرقه.

در این میدان، مفسده جوین، که متاسفانه بر اثر غفلت نیروهای انقلابی، در بسیاری از نقاط رخنه کرده و سنگرهای حساسی را در دست گرفته اند، نقش تخریبی خطرناکی را ایفا میکنند. اینان گاه مانند پالیزبان ها علنا به سازماندهی نیروهای سیاه آدمکش میپردازند و گاه با ماسک «روحانی» (مانند حامی ها، که از همکاران ساواک بوده و ماهرانه خود را در میان هواداران نزدیک امام خمینی جاداه بودند) بدین منظور که مناسبات برادرانه آنها را با روحانیون میهن پرست و انقلابی تیره سازند، نیروهای میهن پرست چپ را مورد حمله قرار میدهند، گاه با ماسک «روشنفکر ماوراء انقلابی» و «هواداران انقلاب کارگری»، جبهه امپریالیسم و ارتجاع را به فراموشی سپرده، ناجوانمردانه حزب توده ایران را بباد تبمت واقفرا میگیرند و گاه بصورت «هواداران آزادی»، نیروهای انقلابی روحانی و مذهبی را هدف عمده مبارزات «انقلابی» خود قرار میدهند.

بهبوجه زیادی روی نیست اگر ادعا کنیم که بازماندگان رژیم سرنگون شده و کارگزاران سیای آمریکا و اتنلجنس سرویس انگلیس و موساد اسرائیل و ساوثیستهای سوگند خورده و سایر سازمانهای تبهکار، در همه این لباسها مشغول خرابکاری علیه انقلاب ایران هستند.

موضعگیری نسبت به این جبهه متحد دشمنان انقلاب ایران و برخورد با شیوه هایی که بکار میبرند، در جهت گیری کلی، برای

مقابله با مشکلات موجود بر سر راه تثبیت و تحکیم دستاوردهای انقلاب و تعمیق آن، در جهت منافع و خواستهای توده‌های دهبای میلیونی مردم زحمتکش شهر و روستا، دارای اهمیت تعیین کننده است.

ولی باکمال تأسف این موضعگیری و این برخورد یکسان‌نیست. بطور کلی ۳ برخورد زیرین درمیدان سیاست در ایران دیده میشود:

۱- برخورد نیروهای راستین انقلابی

برای این نیروها، امپریالیسم جهانی، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی انقلاب ایران است و باید همه نیروها را در جهت برانداختن تسلط نظامی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و فکری این دشمن اصلی پیکار انداخت. صهیونیسم یکی از مهترین ابزارهای تسلط و توطئه‌های امپریالیستی و مسلمان‌افزاینده دشمن انقلاب ایران در منطقه است و باید با تمام نیرو در راه درهم شکستن این سنگر عمده دشمن در منطقه تلاش کرد.

این برخورد، که بطور روشن و پیگیر در ارزیابیهای امام خمینی بازتاب یافته و می‌یابد، مورد تأیید کامل حزب توده ایران است.

۲- برخورد نیروهای راست وابسته به سرمایه‌داری لیبرال ایران این نیروها معتقدند که امپریالیستهای آمریکائی و همدستان اروپائیشان دیگر خطری برای ایران نیستند. خطر برای انقلاب ایران، در درجه اول، از طرف نیروهای خلق است که خواستار امتیازات «زیادی» (!) هستند. باید اقتصاد ایران را برپایه توسعه همکاری با کشورهای غرب، برپایه تقویت همان قشر سرمایه‌داران وابسته بازسازی کرد. زحمتکشان در انقلاب چیزی از دست ندهند. «ضرر عمده» متوجه سرمایه‌داران و تجار شده است. این نیروها هرگونه تحریک و ناامنی و خرابکاری و توطئه را، بدون هیچ‌بروانی به نیروهای انقلابی خلقی و توده‌ای نسبت میدهند.

این موضعگیری خطرناک، که عملاً در سیاست دولت موقت بازتاب یافته است، تا آنجا می‌رود که در اظهارات بسیاری از مقامات رسمی، پزحمت و بسیار کمیاب از تحریکات عمال امپریالیسم و بویژه امپریالیسم آمریکا و سرمایه‌داران وابسته به امپریالیسم و حتی عمال ساواک میتوان ذکر کرد.

۳- برخورد نیروهای افراطی راست و چپ

این نیروها در عین اینکه امپریالیسم و کارگزارانش را در ایران دشمن اصلی می‌شمارند، ولی در عمل جهت‌گیری عمده‌را از دست داده‌اند و عمده تلاش خود را یا در جهت نادرست و یادار جهات فرعی بکار می‌برند. از یکطرف ما با قشریهای مذهبی روبرو هستیم که میکوشند تسلط انحصاری خود را بر همه زمینه‌های زندگی اجتماعی و سیاسی و فرهنگی کشور برقرار سازند، و چون در این راه با مقاومت نیروهای برخورد میکنند که با انحصارطلبی مخالفت دارند، به شیوه‌های تهمت و افترا متوسل میشوند.

نمونه بارز این شیوه برخورد در مراسم دفن و یادبود آیت‌الله مطهری بطور چشمگیری دیده شد. همه میدانیم که امام خمینی بارها در اظهار نظرهای روشن خویش تأیید کرده‌اند که توطئه قتل آیت‌الله مطهری و سرلشکر قری، بدون تردید عمل امپریالیستهای آمریکائی، صهیونیستها و ساواکیها بوده‌است. ولی علیرغم این سمت‌دهی روشن امام خمینی، نیروهای افراطی راست‌قشری، دشمن اصلی، یعنی آمریکا و اسرائیل را، بکلی در سایه فراموشی گذاشتند. و توده‌های وسیعی را، که بر اثر از دست‌دادن یکی از رهبران خود بحق پرافروخته بودند، علیه نیروهای چپ (یعنی یک دشمن اختراعی، که کوچکترین ارتباطی با این جنایت و اینگونه جنایتها نمیتواند داشته باشند) منحرف ساختند. ولی زندگی واقعی نیرومندتر از هر اتهامی است. تحریف واقعیت، هر قدر هم که مردم فریب باشد، بالاخره فاش میشود. ما شاهد آن هستیم که مردم میهن پرست کشور ما، دشمن واقعی آزادی و استقلال خود را، از میان گردوغبار تاریکی آور منحرف کنندگان، به درستی میشناسند. نظیر این برخورد هم از سوی دیگر نیروهای افراطی، یعنی از سمت چپ کاملاً مشهود است.

در بسیاری از موضعگیریهای سیاسی و اجتماعی نیروهای جوان انقلابی، زیر پرچم چریکهای فدائی خلق و همچنین در عمل سیاسی روشنفکران میهن پرستی که زیر پرچم عمومی «مبارزه در راه آزادی‌های دموکراتیک» درآمده‌اند، چنین برخورد نادرستی مشهود است. در اینگونه برخوردها، «عمده» جای خود را به مسائل «فرعی» واگذار میکند و پی‌آمدهائی بی‌ارمی آورد که درست در جهت عکس خواست عمده روز جنبش انقلابی ما است، یعنی نه در جهت گردآوری همه نیروها علیه دشمن اصلی، بلکه در جهت تفرقه‌افکنی و بیجان‌هم اندازی این نیروها.

سخن کوتاه، بنظر ما موضعگیری نادرست و در مواردی نارسای نیروهای افراطی راست و چپ در مسئله مرکزی، یعنی شناخت دشمنان اصلی انقلاب و برگزیدن سمت‌گیری عمده مبارزه روز برای منفرد ساختن و خنثی کردن دسیسه‌های دشمن اصلی، بزیان جدی جنبش انقلابی است و ناخواسته موجبات تفرقه و پراکندگی را در صفوف مبارزان خلق فراهم می‌سازد و به کامیابی دسیسه‌های دشمن اصلی کمک می‌رساند.

امپریالیسم آمریکا، و صهیونیسم و ارتجاع ایران با مبارزه علیه «صهیونیسم» از یک سو و جانسین ساختن مبارزه علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع با مبارزه علیه «آخوندیسم» از سوی دیگر، موجب تفرقه نیروهاست و بطور عینی آبی است که به آسیاب دشمن اصلی انقلاب، یعنی امپریالیسم و صهیونیسم و ارتجاع‌سیاه ایران ریخته میشود.

حزب توده ایران بر آنست که در هیچ صورت، هیچ عاملی، هیچ تحریکی، هیچ فشاری نباید نیروهای انقلابی را از مواضع اصولی خود در مبارزه علیه دشمنان اصلی انقلاب ایران روگردان سازد.

نیروهای انقلابی باید تمام کوشش خود را متوجه آن سازند که برای دشواریهای اجتماعی عظیمی که بر سر راه تثبیت و تعمیق دستاوردهای انقلاب ایران قرار دارد و هر روز بوسیله دشمنان انقلاب قرار داده میشود، راه‌حلهای اصلی و علمی و درست پیدا کنند. در ارتباط با این وظیفه اصلی انقلاب کشورمان در لحظه کنونی، حزب توده ایران نظر خود را در زمینه پنج بخش عمده زندگی اجتماعی کشور، یعنی مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی و ملی بیان میدارد و از همه نیروها و احزاب، سازمانها، گروهها و شخصیتهای سیاسی میخواهد که نظر خود را در این زمینه با روشنی و صراحت در پیشگاه افکار مردم قرار دهند.

۱- مسائل سیاسی

عمده وظیفه نیروهای ملی و انقلابی در زمینه مسائل سیاسی در لحظه کنونی عبارت است از بازگرداندن همه بندهای اسارت امپریالیستی، که بدست جنایتکار شاه خائن و دستیارانش بر میهن ما تحمیل شده و تبدیل ایران به کشوری مستقل و غیرمتبع. روشن است که این کارتها با «اعلام» درست نمیشود و به اصلاح مردمی، با حلوا حلوا گفتن دهان شیرین نمیکرد؛ باید قراردادها را که این اسارت ملی را «چهارپایه» کرده‌اند، از هم درید و به تعهدات تحمیلی امپریالیستی خاتمه داد.

نیروهای راستین انقلابی خواستار آنند که این قراردادهای بلافاصله علنی شوند و محتوی جنایت پارانها با اطلاع مردم برسد، غیرقانونی بودن آنها رسماً اعلام گردد و برای احقاق حقوق مردم ایران، که برپایه این قراردادهای تحمیلی، از دست رفته‌اند، دولت ایران، با اتکاء به پشتیبانی نیرومند مردم ایران و نیروهای ضد امپریالیستی سراسر جهان، وارد میدان مبارزه گردد. برخورد نیروهای سازشکار بکلی غیر از این است. شیوه عمده این نیروها پنهانکاری، بزرگ کردن اشکالات (!) کار و در نتیجه پدرانها کشاندن تصمیمات است. همه مردم میدانند که اسارت‌بارترین قراردادهای تحمیلی به مردم ایران قرارداد خائنه کنسرسیوم نفت و قرارداد دوجانبه نظامی با آمریکا، و به گفته سخنگویان دولت، نزدیک به هزار قرارداد اسارت‌بار دیگر وابسته به آنست. نیروهای میهن پرست ایران حق دارند نسبت به این روش پنهانکاری و حل و فصل مسائل در پشت پرده استتار ابراز سوءظن نمایند. مردم ایران در یک‌بورد زندگی و مرگ علیه امپریالیسم آمریکا و رژیم دست‌نشانده‌اش گام گذاشتند و دهها هزار کشته دادند، تا از راه انقلابی مسائل حیاتی سرنوشت خویش را حل کنند، نه اینکه پنهانکاری و عدم قاطعیت، فرصتهای تاریخی از دست‌برد و امکان داده شود که گرگهای خون‌آشام پوستهای پره بر تن کنند و با ماسک دوست به مردم ایران جا زده شوند.

درست است که در زمینه حل برخی مسائل سیاسی، تاکنون از طرف دولت یک رشته اقدامات مثبت انجام گرفته است، ولی در زمینه حل عمده‌ترین مسئله سیاسی، یعنی مناسبات با امپریالیسم آمریکا، دولت آقای مهندس بازرگان در مواضعی قرار گرفته، که نمیتواند مورد تأیید نیروهای انقلابی و ملی قرار گیرد.

آیا ضرورت قطعنامه سنای امپریالیستی و صهیونیستی ایالات متحده آمریکا صادر شود تا این نیروها یادشان بیفتد که باید مردم را علیه مداخلات امپریالیسم آمریکا و همدستانش در امور داخلی ایران تجویز کرد؟ آیا ما هر روز و هر لحظه شاهد این گونه دخالتهای بیشرمانه امپریالیسم آمریکا و سایر امپریالیستها نیستیم؟ برخی از مقامات دولتی چسبه و گریخته می‌گویند که محافل اقتصادی غرب ما را تحت فشار غارتگرانه قرار داده‌اند، کشتیهای بازرگانی ایران را توقیف میکنند و اعتبارات ما را محدود می‌سازند. چرا دولت موقت این فشارها را فاش نمیکند و از مردم انقلابی ایران برای مقابله با آن کمک نمیخواهد.

در این امر حیاتی موضعگیری نیروهای راست و چپ افراطی نیز شایان توجه است. انکار که برای این نیروها یک چنین امر مهمی در زندگی سیاسی میهن ما وجود ندارد و یا اگر وجود دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار نیست. آیا شایان توجه نیست که در تظاهرات گوناگون، چه بمناسبت ترور آیت‌الله مطهری و چه بمناسبت صدمین سال زادروز دکتر مصدق، از این مسئله سهم، که با سرنوشت انقلاب ایران پیوند دارد، یادای بعمل نیامد؟ آیا این برخورد، گویای این واقعیت نیست که این نیروها مطلب عمده

۲- مسائل اقتصادی

را فراموش کرده‌اند و مردم را به جزئیات و یابوسی سرابها متوجه می‌سازند.

بدون تردید سرنوشت انقلاب ایران، در درجه اول و بطور تعیین کننده، وابسته به حل دشواریهای اقتصادی است که اکنون میهن‌مایا آن روبرو و دست یگریبان است. حل درست، یعنی حل ملی و خلقی این دشواریها، پیروزی انقلاب را تثبیت میکند و دستاوردهای آنرا در جهت تامین منافع اکثریت دهبایلیونی مردم زحمتکش گسترش میدهد و برعکس، کوشش برای حل این دشواریها در چهارچوب منافع سرمایه‌داری بزرگ و وابسته، انقلاب را عقیم کرده و سرانجام با ناکامی روبرو خواهد ساخت.

اساسی‌ترین راهها برای گشودن گره‌های آن کلاف سردرگمی که بر اثر مختل شدن نظام اقتصادی وابسته در کشور ما پدید آمده‌است، عبارتند از:

الف - براه انداختن چرخ اقتصاد فلج‌شده، و در ارتباط مستقیم با آن، حل مسئله دردناک بیکاری.

ب- تبدیل ریشه‌های اقتصاد وابسته با امپریالیسم به اقتصاد مستقل ملی.

پ- تبدیل اقتصاد مبتنی بر غارت بی‌بندوبار ثروت ملی و محصول کار زحمتکشان به اقتصاد متکی به منافع خلق.

در ارتباط با این مسائل عمده اقتصادی، ما به چهار برخورد که نماینده چهارگرایش سیاسی مشخص جامعه ماست، روبرو هستیم:

۱- ضد انقلاب، در درون کشور، از یکسو پادشاهی زیاد و نیرومندی که در سازمان دولتی و در محافل بالای اقتصادی دارد، در هرگونه راه حل منطقی کارشکنی می‌کند و کوششهای عناصر انقلابی و دلسوز را فلج مینماید، و از سوی دیگر با کمک عوامل بی‌شمار ساواک و وابستگان آن، که در همه گروههای سیاسی چپ و راست و حتی در ارگانهای اجرائی انقلابی، رخنه کرده و ریشه دوانده‌اند، میکوشند پادان شعارهای تنداز راست و «چپ»، در همه جا محیط را متشنج سازد و کامیابی هرگونه تلاش عقلائی را، حتی برای پیدا کردن راه‌حلهای موقت و محدود، غیرممکن گرداند.

محافل امپریالیستی غارتگر میکوشند، با استفاده از وابستگی همه‌جانبه اقتصاد ایران به اقتصاد کشورهای امپریالیستی، از راه وارد آوردن فشارهای اقتصادی، از مشکلات موجود به سود خود جدا کنن بهره‌برداری کنند. در این زمینه عدم قاطعیت انقلابی و بی‌نقشه بودن دولت موقت، برای آنها کمک بزرگی است. عمل این محافل صدها درصد با عمل ضد انقلاب در ایران هماهنگ و دارای هدف مشترک است. هدف این محافل امپریالیستی، دست پدست با ضد انقلاب در ایران، اینست که روند بازسازی اقتصادی میهن ما را فلج سازند و از این راه ناراضی مردم را دامن‌زنند و آتش هرج و مرج و طغیان را برافروزند و با آن، شرایط را برای بقدرت رسیدن رژیم وابسته‌ای، از نوع قدیم و یا از نوع جدید آماده سازند.

۲- محافل سازشکار وابسته به سرمایه‌داری بزرگ ایران می‌کوشند مشکلات اقتصادی را در چهارچوب تامین و تثبیت منافع خود حل کنند. راه حل پیشنهادی آنان، در درجه اول برای پراه انداختن چرخ فلج شده اقتصادی و حل مسئله بیکاری، پوست کنده‌ایست که: دولت همه امکانات مالی خود را در اختیار مقاطعه کاران و سرمایه‌داران بزرگ بگذارد و با استفاده از روشهای سختگیرانه علیه زحمتکشان و محدود ساختن خواستهای بحقشان، همه راهها را برای پراه‌اندختن «چرخهای اقتصادی» (!)، یعنی برای پراه انداختن چرخهای غارت بی‌بندوبار، مانند گذشته، هموار سازد. این سمتگیری در اظهارات آقای نرینه، رئیس شرکت ملی نفت ایران، در کنگره حقوق دانان، با روشنی بازتاب یافت.

پیش‌بینی پیامد این راه پیشنهادی محافل سرمایه‌داری بزرگ ایران دشوار نیست. دولت با شرایط بسیار مناسب اعتبارات وسیعی را، که از درآمد نفت بدست می‌آید، به مقاطعه کاران و سرمایه‌داران وابسته و صاحبان تاسیسات بزرگ کشاورزی واگذار میکند. اکثر این گروه ها، همانطور که در گذشته عمل کرده‌اند، بخش عمده این اعتبارات را از راههای گوناگون به پانکهای خارجی منتقل خواهند ساخت و پس از چندی، دوباره با کیسه‌های خالی، در مقابل خزانه دولت صف خواهند کشید و با تهدید به خواباندن چرخهای اقتصادی، خواستار وامها و اعتبارات جدیدتر خواهند شد.

درست است که دولت آقای بازرگان، تاکنون به پنهان موقتی بودن خود، هیچگونه نقشه همه‌جانبه‌ای برای بازسازی اقتصادی، برای تبدیل اقتصاد وابسته به اقتصاد ملی، برای تبدیل اقتصاد غارتگرانه به اقتصادی خلقی ارائه نکرده است، ولی آنچه که از تصمیمات و اظهار نظرهای اخیر رئیس دولت میتوان استنباط کرد، سیاست دولت فعلی تنها متوجه گره اول است و راهی نیز که دولت برای گشودن این گره برگزیده، همان راه بی‌سرانجام محافل راست سرمایه‌داری ایران است.

بنظر ما، یاقشاری دولت در ادامه این سمت‌گیری، گره مشکلات را باز نخواهد کرد و برعکس آنرا پیچیده‌تر و دشوارتر خواهد نمود.

ضدامپریالیستی بکار برده‌اند و، هرروز بانمونه تازه از این تحریکات مواجه می‌شویم.

باکمال تأسف باید گفت که عمل گروههای افراطی راست و چپ هم، در مبارزه علیه آزادیهای فردی واجتماعی، کمتر از عمل ضد انقلاب زیانبخش نیست. آنها آزادی دادچهارچوب آزادی مطلق برای خود و محدود کردن آزادی برای مخالفان و یارقیبان سیاسی خود میپذیرند و برای تحمیل این «آزادی» از توسل به شیوه های نادرست و حتی مخالف و مغایر آزادی خودداری نمیکنند. از بسیاری از شهرها و روستاها و حتی نقاط مختلف تهران خبر میرسد که گروههای بی مسئولیت، فعالیت آزاد احزاب، سازمانها و گروههای سیاسی و فرهنگی را مورد تهاجم قرار میدهند، کلوبهای سازمانهای مخالف خود را بنام دفاع از جریانات «قشری» ویران میسازند، کیوسکها و کتابفروشیهایی را که روزنامهها و نشریات سازمانها و گروههای سیاسی چپ را بفروشدند، آتش میزنند، کتابسوزان راه می‌اندازند، چاپخانهها را تهدید میکنند و زیر نام «حزب الله» به تظاهرات میهن پرستانه و ضدامپریالیستی پا چوب و چماق حمله میکنند. از جمله در خرم‌آباد بدانگاه حمله کرده و کتابخانه دانشگاه را نابود ساخته‌اند.

حزب توده ایران، ضمن اینکه نمیخواهد به این پدیده‌های ارتجاعی، که بدون شک سرفخ آخری آن بدست عمال امپریالیسم و ساواک است، بیش از آنچه که هست، بپردازد، یادآور میشود که اگر این عملیات خرابکارانه از طرف مراجع رهبری انقلاب بطور جدی محکوم نگردد و از طرف مقامات دولتی و سایر مراجع حفظ نظم و امنیت اجتماعی بطور جدی و پیگیر جلوگیری نشود، پدیده‌های هرج و مرج، که دشمن آزادی واقعی است، هر روز بیشتر بروز خواهند کرد.

بنظر حزب توده ایران، خنثی کردن دسیسه‌های ضدانقلاب علیه آزادی، تنها از راه اتحاد و مبارزه مشترک همه هواداران راستین آزادی واقعی و مشخص - نه آزادی انتزاعی - یعنی آزادی بیان، قلم، احزاب، سندیکاها، اجتماعات و غیره در راه تثبیت و گسترش و پیشبرد دستاوردهای انقلاب، ضدامپریالیستی و دمکراتیک خلقی ممکن است.

بنظر ما هر گونه کوشش برای محدود کردن این آزادی، همانقدر محکوم است که هر گونه کوشش برای سوءاستفاده از آزادی برای ایجاد تفرقه، گمراه کردن و منحرف ساختن افکار عمومی و توجه مردم از مسائل عمده انقلاب اجتماعی در ارتباط با این تجاوزات به آزادی و برخی پیش آمدهای دیگر، در هفته‌های اخیر در محافل سیاسی روشنفکران ایران سر و صدای پردامنه‌ای درباره «خطر فاشیسم» مذهبی بلند گردید و همه مسائل عمده اجتماعی ایران را تحت الشعاع خود قرارداد. در این باره ما با صراحت اعلام میداریم که با وجودیکه حرکات مشخصی، از طرف برخی گروههای انحصار طلب و راست گرای قشری برای محدود کردن آزادی در این گوشه و آن گوشه دیده می‌شود. در لحظه کنونی خطر عمده علیه آزادی در ایران از این سمت نیست، بلکه بطور عمده از سوی ضدانقلاب است که می‌کوشد، با فلج کردن روند بازسازی جامعه، شرایط را برای بازگشت خود بقدرت آماده سازد. باید این توطئه‌ها را در همه‌جهره هایش شناخت و با شکست روبرو ساخت. ضد انقلاب می‌کوشد ناراضائی حاصله از اینگونه زیاده‌رویها را (که بدون تردید بخشی از آنها را خود تدارک می‌بیند و ماهرانه بروی صحنه می‌آورد) علیه رهبری سیاسی امام خمینی، که با قاطعیت و پیگیری در مواضع پیشین خود در جهت ریشه کن ساختن تسلط امپریالیسم امریکا و صهیونیسم و رژیم شاه مخلوع و در جهت بهبود شرایط زندگی زحمتکشان شهر و روستا ایستاده است، متوجه سازد. امپریالیسم در گسترش اینگونه دامها بر سر راه مبارزان جوان و کم تجربه استادیست کهنه کار.

شرط اساسی برای تحکیم و تثبیت آزادیهای دمکراتیک، تدوین و تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی، یعنی نظام جدید ملی، دمکراتیک و خلقی است. همه نیروهای ضد امپریالیست باید هم خود را بر این بگمارند که این قانون هر چه زودتر تهیه و به بررسی همگانی گذاشته شود، با نظریات اصلاحی مردم تکمیل گردد و به تصویب مجلس مؤسسان برسد. تنها همکاری همه نیروهای ملی و آزادیخواه متکی به منافع خلق میتواند این قانون اساسی را بصورت یک سند تضمین کننده تثبیت و گسترش دستاوردهای انقلاب ملی، دمکراتیک و خلقی خلق ما پی‌ریزی نماید.

حزب توده ایران یکبار دیگر پیشنهاد خود را در مورد ضرورت فوری یک گرد همائی همه نیروهای آزادی‌دوست، ضدامپریالیستی و خلقی، بمنظور اتخاذ یک روش هماهنگه در این زمینه مطرح میسازد و امیدوارست که روشن‌بینی سیاسی برپیشداورهای مختلف نظرهای عقیدتی غلبه نماید.

در این زمینه، بازم با روشنی اعلام میداریم که آنچه برای حزب توده ایران دارای اهمیت تعیین کننده است، محتوی واقعی هر پدیده، هر نظام اجتماعی است، نه پوسته خارجی و نامگذاری آن. اگر محتوی یک نظام اجتماعی از منافع ملی ما علیه امپریالیسم و از منافع توده‌های زحمتکش و رنجبر کشور علیه غارتگران دفاع کند، و آزادی همه مردم را صرف نظر از اعتقادات سیاسی و مذهبی و فکریشان تضمین نماید، کشور ما را به کشوری مستقل، وصلح

و عددهای توخالی و پوچ، بلکه با ارائه نقشه‌های روشن و قابل دفاع، قانع شوند که روند سیاست دولت در حل مشکلات اقتصادی، روندی است که بر پایه دفاع از منافع زحمتکشان در مقابل غارتگران استثمارگر استوار است، آماده خواهند بود که بازم محرومیت‌ها را تحمل کنند و با تمام نیروی خود برای ساختن نظامی که خواستهای بحق آنها را برآورده نماید، عملاً و بی‌دریغ همکاری کنند. این وظیفه احزاب و سازمانهای سیاسی پشتیبان انقلاب است که با همکاری وسیع در یک «جبهه متحد خلق»، چنین نقشه همه‌جانبه‌ای را برای انجام دادن به بحث اقتصادی موجود و بیرون آمدن از آن، طرح‌ریزی کنند و برای بیهوده کردن آن متفقاً همه نیروهای خلق را تجهیز نمایند.

با کمال تأسف باید یادآوری کرد که نیروهای افراطی چپ و راست، در عین اینکه به اهمیت حل مسائل اقتصادی، بعنوان مهمترین مشکل دوران تثبیت پیروزی انقلاب آگاهند، در عمل نه تنها برای پیدا کردن و دفاع پیگیرانه از راه حل عقلانی کوششی نمی‌نمایند، بلکه برعکس، در جریان تلاش برای رسیدن به هدفهای محدود و تنگ نظرانه و انحصار طلبانه سیاسی، بازم «عمده» را با «فرعی» جا بجا میکنند.

بهترین گواه برای صحت این ادعای ما اینست که، هیچک از این دو نیرو تا کنون نه تنها هیچ نقشه مشخص و روشنی برای باز کردن گره‌های پیچیده اقتصاد فلج شده کشور پیشنهاد نکرده‌اند، بلکه هرگز آمادگی نشان نداده‌اند که در یک گفتگو و تبادل نظر برای بررسی پیشنهاد های مشخص حزب ما شرکت جویند. آنها تنها میکوشند که این موضوعگیری خود را پشت پرده‌ای از افترا و دشنام (آنهم متأسفانه اغلب در سطوحی بسیار پائین و ناشایست) بپوشانند.

تصادفی نیست که برای این نیروها، از یک سو حادثه روزنامه «کیهان» و از سوی دیگر مسائلی پیرامون روزنامه «آیندگان»، به مسئله عمده سیاست روز تبدیل میشود، ولی حل مهمترین مسئله‌ای که جامعه ما با آن روبروست، اصلاً جثائی را در تبلیغات و اقدامات سیاسی آنان اشغال نمیکنند.

البته این «بی توجهی» و «فراوشی» از طرف گروههای راست و «چپ» سیاسی وابسته به سرمایه‌داری ایران قابل درک است، زیرا آنان، بدون اینکه بخواهند علناً به آن اعتراف کنند، راه حلی جز آنچه محافل راست سرمایه‌داری سازشکار ایران پیشنهاد میکنند، ندارند. ولی آنچه قابل درک نیست، موضوعگیری آن نیروها نیست که خود را هوادار نابود کردن «استثمار فرد از فرد» معرفی میکنند. پرستی ما از این دوستان اینست که چه برنامه‌ای برای این منظور خود دارند؛ و چه رشته از اقدامات ضرور و گام به گام را برای رسیدن به این هدف پیشنهاد میکنند؟

بازم سخن کوتاه، بنظر حزب توده ایران، «مشکل اقتصادی»، مهمترین و بزرگترین مشکل جامعه کنونی پس از انقلاب اخیر میهن ماست. سر نوشت انقلاب ایران به سر انجام حل این مشکل بستگی کامل و همه‌جانبه دارد. نیروهای راستین انقلابی و ملی ایران باید توجه اساسی و عمده خود را به پیدا کردن راه حل عقلانی و عملی این مشکل معطوف دارند.

۳ - مشکل اجتماعی

با انقلاب ایران نظام سلطنت استبدادی وابسته به امپریالیسم فروریخت و بی‌ریزی نظام جدید ملی و ضد استبدادی در چهارچوب جمهوری اسلامی در جریان است. همه نیروهایی که در این انقلاب فعالانه شرکت داشتند، چه پیش از پیروزی انقلاب و چه پس از آن، پیوند ناگسستنی خود را با اصول آزادی، بعنوان پایه اساسی نظام جدید، اعلام داشته و میدارند. درست است که امروز مردم ایران از آزادی‌های بسیاری برخوردارند، ولی بهیچوجه نمیتوان نادیده گرفت که نیروهای تاریکی که این آزادیها را بشدت مورد تهدید قرار میدهند، با نقابهای گوناگون، آشکار و نهان، گرم فعالیتند. هم‌اکنون میتوان گفت که این آزادی هنوز تحکیم نیافته، از همه سو، یعنی از سوی ضد انقلاب، از سوی افراطیون راست و افراطیون چپ مورد تهدید جدی قرار گرفته است.

ضدانقلاب با بهره برداری از آزادی موجود، به وسیله‌ای دست می‌یازد تاریشه نهال آزادی را خشک سازد. ضدانقلاب بدست عناصر خود همه‌جا میکوشد آزادی را، از یک طرف بصورت هرج و مرج و از طرف دیگر بصورت عامل فلج کننده در آورد، و از این دوره مردم را از آزادی روگردان سازد.

شایان توجه اینست که عمال ضدانقلاب، این مبارزه علیه آزادی را، ماهرانه بنام دفاع از مذهب انجام میدهند، همانطوریکه توطئه‌های تروریستی خود را علیه رهبران مذهبی و سیاسی زیر پرده هواداری از مذهب اسلام انجام دادند.

مردم ایران از یاد نبرده‌اند که رژیم شاه - ساواک هم بخش عمده‌ای از سیاست ضد ملی، ضد دمکراتیک و ضد خلقی خود را زیر پوششی از مذهب نمائی و بدست گروهی روحانی نمای مزدور عملی میساخت.

مبارزان توده‌ای بارها شاهد آن بوده‌اند که گروه‌های مائوئیستی، زیر پوششی از جملات مارکسیستی، همان شعارها و شیوه‌های عمل ضدانقلاب را در ایجاد تحریک و تفرقه، در بهم زدن تظاهرات

۳- نیروهای متکی به خلق خواستار آنند که گره پیچیده مشکلات اقتصادی، با سمت گیری دفاع از منافع ملی در برابر تجاوزات امپریالیستی و منافع توده‌های میلیونی زحمتکشان شهر و روستا در برابر تجاوزات غارتگرانه طبقات حاکمه سرمایه‌دار و زمین‌دار بزرگ وابسته به رژیم سرنگون شده و امپریالیسم باز گردد.

برداشت ما از محتوی نظریات اقتصادی امام خمینی و هواداران ایشان، که از یک سمت گیری دفاع از خواست های بحق «ستضعفین» در برابر تجاوزات «مستکبرین» پیروی میکنند، در همین چهارچوب است.

اگر بخواهیم این چهارچوب را در زندگی اقتصادی روزمره پیاده کنیم، به نتایج مشخص زیرین، که یگانه راه گشایش گره‌های پیچیده مسائل اقتصادی و یگانه ضامن تثبیت پیروزی انقلاب است، خواهیم رسید.

الف- کلیه تأسیسات صنعتی، مالی، بازرگانی و ترابری متعلق به امپریالیستها و به وابستگان رژیم سرنگون شده، یعنی سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ وابسته به انحصارهای امپریالیستی و رژیم سرنگون شده، را باید بی‌درنگ مصادره و ملی کرد و اداره این تأسیسات را به گروههای برگزیده شده از سوی کارگران و کارمندان و مهندسان و مدیران واگذار نمود و اعتبارات کافی در اختیار آنان گذاشت و کمکهای فنی و مادی لازم را به آنها رسانید.

ب- در مورد تأسیسات مونتاز، که بر اه افتادن آنها با رسیدن مستقیم قطعات از کشورهای تولید کننده اصلی در ارتباط است، باید با تجدیدنظر در قراردادهای موجود، شرایط آغاز فوری کار را فراهم کرد و با تنظیم نقشه‌های دراز مدت، شرایط فنی و مادی ضرور برای تبدیل این تأسیسات را به تأسیسات خودکفا و بدون وابستگی به امپریالیسم آماده ساخت و در صورت لزوم تغییر کامل رشته تولیدی این تأسیسات را برنامه‌ریزی نمود و عملی کرد. باید کارگران و کارکنان فنی و اداری را، که برای نان روزمره خود علاقمند به برآه افتادن چرخهای تولید هستند، در اداره این تأسیسات از راه سازمانهای صنفی کارگران و شوراهای انتخابی همه کارکنان، شرکت داد و متعهد ساخت و به آنان اعتماد کرد. اینست راه ملی و خلقی گشایش گره‌های پیچیده اقتصادی.

پ- در مورد صنایع و تأسیسات کشاورزی و کارگاههای ساختمانی متعلق به سرمایه‌داران ملی غیر وابسته، نظر حزب توده ایران اینست که دولت باید برای برآه انداختن هر چه زودتر آنها، اعتبارات ضروری و کمکهای همه جانبه میبذورد، باین شرط که این اعتبارات و کمکها صرفاً برای برآه انداختن تولید مصرف گردد، و برای تحقق این امر نیز یک کنترل دوجانبه، از جانب دولت و از جانب سازمان های صنفی کارگران و کارمندان این موسسات ضروری است تا در مورد بیرون آوردن اقتصاد کشاورزی از بحران کنونی، یگانه راه، ملی کردن تأسیسات بزرگ کشاورزی متعلق به سرمایه‌های امپریالیستی و وابستگان رژیم سرنگون شده و اداره آنها با کمک مدیریت مورد اعتماد سازمانهای صنفی کارگران و همکاری شوراهای انتخابی از طرف همه کارکنان، مصادره اراضی کشاورزی بزرگ متعلق به زمین‌داران بزرگ و تقسیم آن بین دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین، کمک به ایجاد شرکتهای تعاونی تولید و مصرف برای این کشاورزان و رساندن کمکهای فنی و کسود به آنان و ایجاد یک سیستم دولتی خرید عادلانه و جمع آوری سریع محصولات از واحدهای کوچک و متوسط تولید کشاورزی است. اینست بنظر ما آغاز بیرون رفت از بحران عمیقی که اقتصاد کشاورزی کشور را فرا گرفته است.

در این زمینه، نقش سازمانهای واقعی صنفی زحمتکشان شهر و روستا اهمیت تعیین کننده‌ای دارد و هر گونه تلاش برای فلج کردن و یا تجزیه این سازمانها و یا محدود ساختن تأثیر آنها در جریان بازسازی اقتصاد و نوسازی آن در جهت دفاع از منافع زحمتکشان، زیانهای جبران ناپذیر به روند تثبیت پیروزی انقلاب وارد میسازد و راه را برای دسیسه‌های خرابکارانه ضد انقلاب هموار میکند.

تنها از این راه است که میتوان، در مدت کوتاه، با اعتبارات کمتر، به بهترین کیفیت و بالاترین کمیت، چرخهای اقتصاد را برآه انداخت، برای مشکل بیکاری راه حل عملی پیدا کرد، شرایط را برای تبدیل ریشه‌های اقتصاد وابسته به امپریالیسم به اقتصاد مستقل ملی آماده نمود و به غارتگری بی‌بند و بار و تروتهای ملی و محصول کار زحمتکشان بوسیله سرمایه‌های امپریالیستی و سرمایه‌های وابسته انجام زد.

ث- نکته مهم دیگری که در زمینه مسائل اقتصادی مطرح است، موضوع تأمین زندگی مناسب‌تر برای زحمتکشان شهر و روستا است. تردیدی نمیتوان داشت که توده‌های میلیونی کارگران و سایر زحمتکشان، که فعالانه در انقلاب شرکت کردند و جان‌نازای نمودند، انتظار داشتند که نظام انقلابی به غارت‌های امپریالیستی و رژیم سرمایه‌داری وابسته به آن پایان دهد و برای زحمتکشان شرایط روز بروز بهتر و مناسبتری را برای کار و برای برداشت از محصول کارشان فراهم نماید. درست است که با دشواریهای پیداشده بر اثر فروریزی نظام غارتگری، بر آوردن همه خواستهای زحمتکشان باافاصله و حتی در زمان کوتاه ممکن نیست، ولی ما اطمینان داریم که زحمتکشان ایران، در صورتیکه، نه تنها با

دوست، مبدل کند و آنرا درجرت کشورهای غیرمتعهد وارد سازد، در سیاست جهانی از مبارزات خلقهای محروم علیه امپریالیسم جهانخواز و متجاوز، علیه رژیمهای فاشیستی و نژادپرست پشیمانی نماید، یک چنین نظامی مورد پشتیبانی کامل ماست.

۴ - مشکلات در زمینه حقوق ملیتها

یکی از مشکلات انقلاب ایران مشکل ملی است، که حل درست و عقلانی آن، میتواند جامعه ما را یک گام بزرگ جلو ببرد، و جلوگیری از آن، میتواند به ایجاد کانونهای تفرقه و نا امنی و دسیسه های استعماری میدان دهد.

استفاده از زبان مادری برای تکلم و آموزش، استفاده از فرهنگ ملی برای زندگی هرروزه و استفاده از آزادی برای برگزیدن اداره کنندگان زندگی اجتماعی، از حقوق اولیه هر خلق آزاد است.

حزب توده ایران، از همان اولین روزهای موجودیت خود، دفاع از این حقوق را برای همه اقلیت های ملی، که در سرزمین ایران زندگی میکنند، بدون تزلزل در برنامه سیاسی خود جا داده و همواره بطور پیگیر از آن دفاع کرده و میکند.

حزب توده ایران احترام و شناسایی این حقوق ملی، یعنی خودمختاری اداری و فرهنگی برای خلقهای غیر فارسی زبان ایران، بهیچوجه مغایر با اصل دفاع از وحدت ملی ایران در چهار چوب خدشه ناپذیر تمامیت ارضی کشور نمیداند، برعکس، احترام به حقوق ملی را، یکی از مهمترین پایه های تأمین وحدت واقعی داوطلبانه و ملی می شمارد.

درعین حال ما صریحاً اعلام می کنیم که هر قدر حل این مشکل بطول انجامد، امکان بهره برداری زین بخش و فساداتکین از آن بدست دشمنان ملی ما، یعنی عمال سرپرده امپریالیسم صهیونیسم و وابستگان رژیم سرنگون شده، بیشتر و بیشتر خواهد شد. امپریالیسم و ارتجاع میکوشند مشکل ملی را، بعنوان یکی از جنگ افزراهای زهرآلود خود علیه نظام ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی بکار اندازند، تنها حل عقلانی و منطقی مسئله ملی است که میتواند زمینه را برای تحریکات عوامل دشمن نامساعد سازد و اتحاد همه خلقهای سرزمین ایران را در روند بازسازی نوسازی کشور تأمین نماید.

باکمال تأسف باید بپذیریم که هم اکنون، در نتیجه تملک و ناپیگیری دولت موقت درحال این مسئله میسر، در کردستان، خوزستان، بلوچستان و در میان خلق ترکمن و همچنین در میان دیگر گروههای ملی در ایران، بدست عوامل سرشناس امپریالیسم و رژیم سابق تحریکات پرادمانه ای سازمان یافته و یا درحال سازمان یافتن است. ضد انقلاب در این زمینه با تمام نیرو مشغول تلاش است و این میدان را یکی از مساعدترین میدانها برای فعالیت مخرب خود میدانند.

حزب توده ایران آنقدر برای گشودن هرچه سریعتر این گره اهمیت قائل است که پیشنهاد می کند، بی درنگ وزارتخانه ویژه ای برای حل مسئله ملی تاسیس گردد. تاریخ سراسر جهان نشان داده است که حل این دشواری، جز از راه تفاهم نیروهای مترقی و خلقی از هیچ راه دیگری میسر نیست. با استفاده از نسخه های کهنه و یوسیده اعمال قهر و دادن رشوه سیاسی به «متنفذین» و «طبیقات حاکمه» می توان داری مسکن برای زمان کوتاهی تهیه کرد، ولی درمان درد از این راه مطلقاً میسر نیست.

درعین حال، حزب توده ایران توجه نیروهای ملی و انقلابی را، که هوادار راستین حل مسئله ملی در چهارچوب انقلاب ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران هستند، باین واقعیت جلب می کند که در لحظه کنونی، جهت عمده مبارزه همه نیروهای انقلابی ایران، علیه امپریالیسم و بازماندگان رژیم سرنگون شده پهلوی است و حلقه اساسی این نبرد، بازسازی اقتصادی و تأمین آزادی و امنیت اجتماعی است. باید با تمام قوا از آن پرهیز کرد که در این مبارزه حیاتی، مسائل مربوط به تأمین حقوق ملی، که با وجود اهمیتشان، در تناسب با مسئله عمده انقلاب در مرحله کنونی، جنبه فرعی دارد، به مسئله عمده مبدل شود و در جهت متحد همه نیروهای ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی ایران شکاف بوجود بیاورند و در بدترین حالت، نیروهایی را که باید متحداً برای تثبیت و تعمیق عمده ترین دستاوردهای انقلاب در صف واحدی مبارزه نمایند، بجان هم اندازند.

۵ - امنیت ملی و امنیت اجتماعی

همه نیروهای فعال اجتماعی کشور، در این ارزیابی هم زبان هستند که امر امنیت اجتماعی و امنیت ملی یکی از گره های دردم و پیچیده ایست که در برابر همه مردم قرار گرفته است. در این ارزیابی نیز اکثر هم زبانند که دولت موقت هنوز سر نخ این کلاف سردرگم را پیدا نکرده است و با سمت گیری سیاسی و اجتماعی که پیش گرفته، مسلماً سر نخ را پیدا نخواهد کرد.

همه میدانیم که ضمن اینکه در کشور آزادی وجود دارد، امنیت اجتماعی برای بهره گیری از این آزادی بسیار محدود است. عوامل سرپرده ضد انقلاب از راه ترور و آدم کشی، از راه تجهیز خود فروختگان و ساده باوران، زیرماسک های ماوراءچپ ما توئیستی و یا ماوراء راست قشری، برای حمله به نظائرات میهن پرستانه و ضد امپریالیستی، به مراکز فعالیت نیروهای راستین انقلاب، آتش زدن کتافروشی ها، وغیره وغیره امنیت اجتماعی را مختل میسازند. گروههایی زیر ماسکهای گوناگون با اعمال قهر امنیت فعالیت سیاسی و مطبوعاتی را از مخالفان خود سلب میکنند. ما شاهد آن هستیم که این گونه عملیات تحریک آمیز روز بروز وسعت بیشتری پیدا می کند. ضرورت اقدامات جدی برای تأمین امنیت اجتماعی هرروز بیشتر احساس می شود.

واقعیت اینست که نظام جنایت پیشه استبداد سلطنتی درهم فروریخت و نظام نوین ضد امپریالیستی، دمکراتیک و خلقی در دست پی ریزی است، این پرستی برای همه مطرح است که آیا میشود بر روی همان پایه یوسیده، که تار و پودش به امپریالیسم و استبداد سیاه وابسته است، یک نظام انسانی و خلقی را برپا ساخت؟

تمام مردم مبارز ایران به این پرسش پاسخ منفی میدهند، تجربه همه انقلابهای جهان، واز آن جمله تحولات اجتماعی کشور خودمان، این موضع گیری مردم را تأیید می کنند. مسلماً آن نیروها و شخصیت های سیاسی که سمت گیری خود را برای حل این مشکلات بر پایه بازسازی نیروهای انتظامی کشور، بر مبنای همان کادر دوران رژیم سرنگون شده مشخص کرده اند، نمی توانند فراموش کرده باشند که در دوران مبارزه برای ملی کردن نفت هم، دکتر مصدق همین سیاست را در پیش گرفت و تصور میکرد که تنها با واگذاری چند پست فرماندهی در ارتش و پلیس و زاندارمری وابسته به امپریالیسم و سلطنت استبدادی، به افراد میهن پرست و آزادی دوست و مورد اعتماد، این سازمانها بعکس خود، یعنی نیروهای خادم مردم بدل خواهند شد.

ما دیدیم که در آن زمان، با اینکه همین تیمسار سر لشکر ریاحی رئیس ستاد بود، با اینکه سر تیپ امنیتی و سر تیپ دفتری، که از معتمدین دکتر مصدق بودند، ریاست کل شهربانی و زاندارمری کشور را در دست داشتند، با اینکه سر هنگ ممتاز فرمانده تیپ زرهی مرکز بود و از خانه دکتر مصدق نگهداری میکرد، با اینکه سایر دوستان و همراهان سیاسی این افسران، یعنی افسران وابسته به جبهه ملی، تقریباً تمام پستهای فرماندهی واحد های عمده ارتش و پلیس و زاندارمری را در دست داشتند. (با توجه به اینکه در آن زمان هنوز سازمان مخوف ساواک و شاخه های سازمانهای مخفی سیای آمریکا و موساد اسرائیل با اندازه امرور زبیشه ندوانده و متشکل و مجهز نبودند). چه پیش آمد و چگونه ارتش و سایر نیروهای انتظامی آلت اجرای کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد گردیدند و کودتاجیان، زیر نظر فرماندهان متعهد، دسیسه جهنمی و خائنه خود را سازمان دادند و دولت ملی دکتر مصدق را سرنگون ساختند.

در آن روزها، و حتی تا ساعت ۱۲ صبح ۲۸ مرداد، علیرغم همه بیدارباشهای مکرر و مؤذک حزب ما در مورد خطر بلافاصله کودتا، دوستان و همراهان دکتر مصدق در نیروهای انتظامی به او «اطمینان» دادند (ما تردید نداریم که مسلماً خودشان هم باور داشتند) که از ناحیه ارتش، پلیس و زاندارمری خطری وجود ندارد. و این همان اطمینانی است که به آقای بازگان داده میشود و آقای بازگان هم به مردم میدهد.

این تجربه تاریخی ۲۸ مرداد، که اینقدر گران تمام شد، بمردم میهن پرست و آزاد دوست ایران نیدارباش میدهد که به اینگونه وعده ها (با اینکه در صداقت وعده دهندگان تردید نمیکنیم) اعتماد نمایند و به پیشنهادهای آنان درباره نوسازی نیرو های انتظامی، بر پایه همان پی های یوسیده گذشته، با عدم اطمینان نگاه کنند. این تفاوت را هم باید در نظر گرفت که در پی پیروزی انقلاب، برخلاف دوران دکتر مصدق، عناصر وابسته به امپریالیسم و رژیم سیاه شاه مخلوع، بسیاری از امتیازات گذشته خود و پیش از همه «آقائی و سوری» خود را از دست داده اند و مورد بنض و نفرت میلیونها مردمی هستند که دهها هزار نفر از جوانان نشان بدست این سرپردهگان بختک و خون غلطیده اند.

از سوی دیگر کسانی که بسیاری از امتیازات گذشته خود و بیش از همه «آقائی و سوری» خود را از دست داده اند، نسبت به نظام انقلابی نوین کینه تسکین ناپذیری دارند و آنرا پنهان هم نمیکنند. بهمه اینها باید افزود که بخش مهمی از نیروهای سیاه دست نخورده رژیم سرنگون شده، با همه امکانات گذشته خود باقی مانده اند. همه میدانند که هزاران مأمور جنایتکار ساواک با اسلحه، وسائل ارتباطی، رادیو و اتومبیل های ضد گلوله خود در سراسر ایران پراکنده اند، بوسیله مأموران مخفی سیای آمریکا، سازمان داده میشوند و هم اکنون تمام خرابکاریها را اداره می کنند و خود را برای خرابکاری های وسیع تری آماده میسازند.

همه میدانند که گروههایی از افسران وابسته به رژیم در ارتش، پلیس و زاندارمری، هم اکنون سازمانهای پنهانی بوجود آورده اند و خود را برای «لحظه تاریخی»، یعنی لحظه وارد آوردن ضربه ناگهانی به نظام انقلابی آماده میسازند. بر خورد با این

سرپردهگان رژیم شاه مخلوع، و شاگردان مکتب سیا و موساد و ساواک نشان میدهد که آنها با چه کین و نفرتی از انقلاب ایران و از رهبران اسلامی و نیروهای انقلابی چپ یاد میکنند و چه نقشه های جهنمی در سر میپرورانند.

دولت آقای مهندس بازرگان میخواهد با همین نیروها، همین سرهنگان و سرگردان «شاهزده»، نیروهای انتظامی را باز سازی کند و آنها را به سر نوشت انقلاب ایران مسلط سازد. این اشتباه تاریخی بزرگی است که اگر بموقع، و بطور قطع تصحیح نشود، برای انقلاب ایران و حتی برای خود آنها نیکه این اشتباه را به مردم ایران تحمیل میکنند، بسیار گران تمام خواهد شد.

بر پایه این دور بینی و واقع بینی سیاسی است که همه نیرو های راستین انقلاب ایران، صرف نظر از اعتقادات مسلکی و سیاسی خود، یک زبان خواستار پاکسازی هرچه سرمتر نیروهای انتظامی و در درجه اول ارتش، از هواداران رژیم سرنگون شده، از شاگردان مکتب امپریالیسم آمریکاهستند. بدون این پاکسازی مواعج جدی در راه جنبش انقلابی بوجود خواهد آمد.

حزب توده ایران میدانند که در میان افسران و درجه داران نیروهای انتظامی رژیم شاه مخلوع، عناصر میهن پرست و آزادیخواه کم نیستند. علاوه عده زیادی از این گونه افسران، که از خدمت برکنار شده اند، امروز آماده خدمت به انقلاب هستند. باید این عناصر میهن پرست و آزادیخواه را از سرپردهگان به رژیم سرنگون شده جدا کرد و از ترکیب عناصر میهن پرست و آزادیخواه با عناصر انقلابی، که در جریان انقلاب جان برکف علیه رژیم شاه مخلوع جنگیدند، پایه های نیروهای انتظامی ملی و خلقی را پی ریزی کرد. این البته کاریست دشوار و پر مسئولیت و تنها در چهار چوب همکاری بی شائبه همه نیروهای انقلابی، میتواند عملی گردد.

حزب توده ایران، با سایر نیروهای انقلابی و میهن پرست، که خواستار نگهداری و تقویت سپاه پاسداران انقلاب و ایجاد یک سازمان ملی و خلقی برای مبارزه با بقایای ساواک اند هم زبان است و عقیده دارد که برای ایجاد این سازمانها باید از همه نیروهای مبارز خلقی کمک گرفته شود.

یک چنین سازمانهای خلقی، هنگامی میتوانند از دستبرد عناصر دشمن در امان قرار گیرند، که متکی به «جبهه متحد نیروهای انقلابی خلق» باشند و در درون آنها زمینه مساعدی برای افشاندن تخم نفاق و چند دستگی، تخم تمایلات انحصار طلبی و تسلط جوئی وجود نداشته باشد. میدان دادن به نفاق، انحصار طلبی، خصومت با آنها نیکه بنحو دیگری فکر میکنند، همیشه زمینه را برای دسیسه کاری نفاق افکنان و عوامل دشمن فراهم میسازد.

این است نظر حزب توده ایران درباره عمده ترین مسائل و مشکلات جنبش انقلابی ایران در لحظه بسیار دشوار، پیچیده و پر مسئولیت کنونی.

ما یکبار دیگر خلاصه میکنیم،

۱ - دشمنان انقلاب ما، یعنی امپریالیستها، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، با بکار انداختن همه ابزارهایشان یعنی (عوامل صهیونیسم و بازماندگان رژیم سرنگون شده) و طبیقات و قشرهای زخم خورده حاکمه (یعنی سرمایه داران و زمین داران بزرگ وابسته به امپریالیسم) بدست گروههای مجهز خرابکار ساواک، بدست گروهی از هواداران خود در فرماندهی نیروهای انتظامی، بدست عوامل خود که در همه سازمانهای دولتی پایگاههای محکمی دارند و حتی در سازمانهای انقلابی رخنه کرده اند، با تمام نیرو توطئه میکنند و میکوشند روند تثبیت، باز سازی و نوسازی نظام نوین انقلابی را در میهن ما، فلج و مردم را ناراضی کنند و آنها را بادهای رنگارنگ ضد انقلاب بکشانند.

۲ - در چنین شرایطی، تنها از راه ایجاد همبستگی همگانی همه نیروهای انقلابی، همه نیروهای ضد امپریالیست، هوادار استقلال، تمامیت ارضی، آزادی و پیشرفت اجتماعی میتوان این دسیسه های ضد انقلاب را نقش بر آب کرد و راه را برای پیشروی و گسترش انقلاب تاریخی مردم ایران هموار ساخت.

۳ - حزب توده ایران عقیده دارد که یک چنین همبستگی همگانی نیروهای انقلابی، در لحظه کنونی، عملاً تنها در زیر رهبری امام خمینی امکان پذیر است، که به پاس پیگیری و قاطعیت تاریخی خود در تجهیز نیروهای خلق علیه امپریالیسم، صهیونیسم و رژیم شاه مخلوع، به پاس ایستادگی در جهت هدفهای اساسی انقلاب ایران، از بالاترین اعتبار و نفوذ در میان مردم ایران برخوردارند.

۴ - حزب توده ایران همه گروههای راستین هواداران انقلاب ایران را فرامیخواند که با کنار گذاشتن همه پیشداوریها، با دست کشیدن از انحصار طلبی و تسلط جوئی، با کنار گذاشتن مسائل فرعی و غیر عمده، تمام تلاش خود را برای بوجود آوردن یک چنین همبستگی همگانی نیروهای میهن پرست بکار اندازند.